

دوفصلنامه علمی حدیث پژوهی

سال ۱۵، بهار و تابستان ۱۴۰۲، شماره ۲۹

مقاله علمی پژوهشی

صفحات: ۲۷۹-۳۱۰

کاوش سندی و محتوایی ثواب ناهمگون احادیث زیارت خانه خدا

سید علی اکبر ربیع نتاج*

مراد کلاهی**

امین یوسفی***

چکیده

ثواب حج که از دستورهایی اکید فروع اسلامی و عمره که از زیارت‌های مستحب است، از نظر کیفیت و روح اعمال در روایات با یکدیگر متفاوت است. روایات ثواب‌های متفاوتی از جمله سلامتی، زوده شدن فقر، بهشت، محل بخشیده شدن گناه نابخشودنی و ثوابی افزون‌تر از انفاق کننده طلا معادل کوه ابوقبیس برای زائر خانه خدا و ثواب‌هایی بیشتر از آن نیز مطرح کرده‌اند که حاکی از ضعف و پریشانی روایات نیست؛ گویا عوامل روحانی دخیل در زیارت همچون اختیار و اراده، معرفت، نیت، توجه به اصل ولایت، شرایط مشقت‌بار زائر، شرایط زمانی و مکانی و سیاسی موجب کیفیت زیارت زائران بر یکدیگر شده و عامل تفاوت ثواب زیارت‌کنندگان می‌شود. با وجود این، پژوهش حاضر به روش توصیفی تحلیلی سامان یافته و درصدد است با تبیین نکات کلیدی دخیل در متفاوت شدن ثواب‌ها، علل تفاوت ثواب زیارت خانه خدا را در عین وحدت اعمال زائران مورد تحلیل، و احادیث آن را از نظر سندی و محتوایی مورد ارزیابی قرار دهد. در نتیجه مشخص گردید که زیارت عارفاً بحقه، خلوص نیت، کیفیت و شرایط اعمال زائران با وجود صحت سند و متن موجب کثرت ثواب زیارت‌کننده می‌شود.

کلیدواژه‌ها: روایات، حج، ثواب، سند، محتوا.

* استاد گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه مازندران بابلسر، بابلسر، ایران، Sm.rabiNataJ@gmail.com

** کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه مازندران بابلسر، بابلسر، ایران، نویسنده مسئول، morad_kolahy@yahoo.com

*** کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه مازندران بابلسر، بابلسر، ایران، a20.yousefi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۱

۱. مقدمه

زیارت خانه خدا در اسلام جایگاه بسیار ارزشمندی دارد و فضیلت و ثواب‌های فراوانی برای زائر آن نقل شده است. روایت‌هایی وجود دارند که با صحت احادیث، ثواب‌های متفاوتی نسبت به یکدیگر برای زائران خانه خدا آورده‌اند. لذا تردید و ابهامات مشاهده شده در ناهمگونی ثواب‌ها در روایات، موجب بررسی ثواب‌های ناهمگون احادیث زیارت خانه خدا در اعمال زیارت‌کنندگان گردید. با وجود این، هدف از بررسی پژوهش حاضر بیان علل تفاوت ثواب زائران با صحت روایات است، به گونه‌ای که علل اختلاف ثواب در روایات نقل شده، حاکی از ضعف و پریشانی روایات نیست؛ گرچه با فرض بر عدم صحت سند، متن این احادیث در متون روایی به کثرت و طرق متعدد ذکر شده و با احادیث صحیح دیگر و متون دینی مطابقت دارد. با وجود این، علت اختلاف ثواب زیارت، به دویعدی بودن شاکله بشر (بعد جسمانی و روحانی) و تحرکات درونی از جمله میزان شناخت (معرفت) و خلوص نیت افراد ارتباط داشته و در میزان ثواب تأثیرگذارند؛ چنان‌که با بررسی روایات معلوم می‌گردد میزان تأثیر عوامل درونی، می‌تواند ارزش کار را بیشتر یا کمتر کند؛ لذا با توجه به مسئله حاضر در این پژوهش تلاش می‌گردد به سؤال‌های ذیل پاسخ داده شود:

الف. آیا این روایات اعتبار سندی و متنی دارند؟

ب. ملاک این همه تفاوت در ارزیابی ثواب حج چیست؟

۱-۱. پیشینه پژوهش

حج و عمره در اسلام از اعمال عبادی مسلمانان بوده و بسیار مورد تأکید قرار گرفته است؛ به همین خاطر درباره حج و عمره آثار گسترده‌ای تألیف شده است. در این حیطه، هرکدام از محققان با روش‌های متفاوت و در موضوعات گوناگون به بررسی و تحلیل زیارت خانه خدا پرداخته‌اند. در منابع دست‌اول «کتاب حج» از کافی کلینی، در منابع دست‌دوم می‌توان به کتاب *مزار بحار الانوار* مجلسی و از منابع جدید می‌توان به حج و عمره از *منظر قرآن و روایات* (بنی‌هاشمی، ۱۳۸۸ش)، *الحج و العمره و معرفة الحرمین الشریفین* (افتخاری گلپایگانی، بی‌تا)، *صه‌بای صفا* (جوادی آملی، ۱۳۸۶ش) و از آثار پژوهشی موجود در مورد فضیلت زیارت به مقاله «نقش زیارت در تربیت زائر» (حسینی،

۱۳۹۷ش)، مقاله «فضیلت حج در روایات (خاصه و عامه)» (حجتی کرمانی، ۱۳۷۲ش) اشاره کرد. خاطر نشان می‌گردد که تحقیقات در این زمینه به دلیل اهمیت موضوع و تکلیف شرعی بودن حج، بسیار گسترده بوده، لیکن تاکنون در هیچ کدام از تألیفات و پژوهش‌های پیشین، تألیفی در مورد ثواب ناهمگون زیارت خانه خدا و علل تفاوت ثواب به نگارش درنیامده است.

۲. بیان روایات فضیلت زیارت خانه خدا

روایاتی در فضیلت زیارت خانه خدا وارد شده و ارزش ثواب زائران آن‌ها به صورت متفاوت ذکر شده است که در ذیل به بیان این روایات پرداخته می‌شود.

۲-۱. بررسی رجالی و سندی روایات ناظر بر ثواب

۲-۱-۱. روایت اول ناظر بر نابودی فقر و بررسی سند آن

عَنْ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «الْحَجُّ وَالْعُمْرَةُ يَنْفِيَانِ الْفَقْرَ وَالذُّنُوبَ كَمَا يَنْفِي الْكَبِيرُ خَبَثَ الْحَدِيدِ» (طوسی، ۱۴۲۶ق، ج ۵: ۷۸۶)؛ حج و عمره، فقر و گناهان را نابود می‌کند، همان‌گونه که کوره آهن‌گر پوسیدگی و ناپاکی‌های آهن را محو می‌کند.

الف. صفوان بن یحیی

کنیه این راوی ثقه و جلیل‌القدر، ابو محمد بیاع السابری است. ایشان از اصحاب و یاران امام رضا علیه السلام و امام جواد علیه السلام در کوفه بوده است (حلی، ۱۴۱۱ق: ۸۹؛ طوسی، ۱۴۲۰ق: ۲۴۲). در وثاقت و عدالت این راوی احدی شک نکرده است و تمام کسانی که از او نام برده‌اند، وی را به جلالت قدر، عظمت، شرافت و زهد ستوده‌اند؛ چنان‌که نجاشی در مورد وی می‌گوید: ثقه، ثقه، عین (نجاشی، ۱۳۶۵ش: ۱۹۷). طوسی در مورد ایشان می‌گوید: عبادت صفوان شهره خاص و عام بوده است. در شبانه‌روز پنجاه رکعت نماز می‌خواند، در سال سه ماه روزه می‌گرفت و سه نوبت زکات مالش را خارج می‌کرد. و همچنین گفته: صفوان موثق‌ترین فرد زمان خود در نزد اهل حدیث است (طوسی، ۱۴۲۰ق: ۲۴۱). در کل، صفوان مورد اعتماد کامل حضرت رضا علیه السلام بوده و امام رئوف او را شخصی عادل می‌دانسته است. تعداد تألیفات صفوان را سی کتاب و رساله نوشته‌اند؛ از جمله کتاب وضوء، کتاب صلاة، کتاب صوم، کتاب حج و... (نجاشی، ۱۳۶۵ش: ۱۹۷).

صفوان بن یحیی از شخصیت‌های برجسته عالم تشیع، از فقیهان و محدثان درجه اول از اصحاب ائمه علیهم‌السلام است. ایشان علاوه بر مقام شامخ علمی، جلالت والایی در زهد و عبادت داشته و فردی موثق، مورد اعتماد ائمه علیهم‌السلام است. وی همچنین از اصحاب اجماع بوده و جماعت مزبور جز از ثقات نقل حدیث نمی‌کردند، لذا احادیث آنان مورد صحت و معتبر است.

ب. معاویة بن عمّار

معاویة بن عمار کوفی بوده و نجاشی او را توثیق و تمجید کرده است؛ چنان‌که می‌گوید: معاویة، ثقه و کبیر الشان و عظیم‌المحل است؛ کنیه او ابوالقاسم، ابو حکیم، ابو معاویة و نسبش دُهنی، بَجَلی، عِبْدی، عِجَلی است. پدر معاویة نیز در میان عامه توثیق شده است (همان: ۴۱۱). نجاشی به‌گونه‌ای مبهم و نارسا به شرح حال او پرداخته و روشن نیست که کنیه‌ها و فرزندان او که از آن‌ها نام می‌برد، از آن معاویة است یا پدرش عمّار؛ به هر تقدیر، آنچه پذیرفتنی‌تر است و قراین نیز آن را تأیید می‌کند، این است که پدر و پسر هر دو نزد رجالیون توثیق شده‌اند و همه آن‌ها وی را راوی شیعه‌مذهب دانسته‌اند.

رجالیون شیعی پس از نجاشی، شیخ طوسی و برقی او را از اصحاب امام صادق علیه‌السلام خوانده‌اند (طوسی، ۱۴۲۰ق: ۳۰۴). وی افزون بر امام باقر علیه‌السلام از امام صادق علیه‌السلام و امام کاظم علیه‌السلام از پدرش عمّار و راویانی دیگر چون ابوبصیر، ابو حمزه ثمالی زید شحام و ابوزبیر مکی روایت کرده است و راویانی چون احمد بن مفضل، اسماعیل بن ابان و... از او روایت کرده‌اند. همچنین معاویة دارای کتاب است که از آن جمله کتاب حج، یوم و لیلۃ، زکاة و... می‌باشد (حلی، ۱۴۱۱ق: ۱۶۶؛ طوسی، ۱۴۲۰ق: ۴۶۲-۴۶۳). با توجه به توثیقات رجالی، معاویة بن عمار از شخصیت‌های برجسته رجالی عالم تشیع و از اساتید صفوان بن یحیی است که از اصحاب اجماع، و فردی موثق و قابل اعتماد است.

ارزیابی نهایی سند روایت: هر دو راوی ثقه و امامی هستند که صفوان از شاگردان ایشان بوده و بیشتر روایت‌های معاویة بن عمار از امام صادق علیه‌السلام است. سند این حدیث، صحیح و مسند تا معصوم است؛ زیرا روایت از راویانی ثقه، قابل اعتماد، امامی مذهب به معصوم رسیده است.

۲-۱-۲. روایت دوم ناظر بر سلامت جسمانی و کثرت روزی و بررسی سند آن

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَمْرِو بْنِ عُثْمَانَ الْخَزَّازِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْبَجَلِيِّ عَنْ خَالِدِ الْقَلْبَانِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: حُجُّوا وَاعْتَمِرُوا تَصِحَّ أَبْدَانُكُمْ وَتَتَّسِعَ أَرْزَاقُكُمْ وَتُكْفَوْنَ مَوَوَّنَاتِ عِيَالِكُمْ، وَقَالَ: الْحَاجُّ مَعْفُورٌ لَهُ وَ مَوْجُوبٌ لَهُ الْجَنَّةُ وَ مُسْتَأْنَفٌ لَهُ الْعَمَلُ وَ مَحْفُوظٌ فِي أَهْلِهِ وَ مَالِهِ» (کلینی، ۱۳۶۶ ش، ج ۴: ۲۵۲)؛ به حج و عمره بروید تا جسم شما سالم، و روزی شما فراوان گشته، و هزینه زندگی خانواده‌هایتان فراهم شود. و فرمودند: حاجی آمرزش الهی شامل حالش، و بهشت بر او واجب شده، و اعمالش را از اول شروع کرده، و خانواده و اموال و دارایی او در حفاظت خدای رحیم است.

الف. علی بن ابراهیم

علی بن ابراهیم موثق و قابل اعتماد بوده و مذهب و افکار اعتقادی او کاملاً صحیح است. علاوه بر حلی، همهٔ رجالیون امامی به این مطلب اذعان کرده‌اند (حلی، ۱۴۱۱ق: ۱۰۰). کتاب کافی کلینی، مملو از روایات و احادیث علی بن ابراهیم است، به گونه‌ای که می‌توان آن کتاب را مسند علی بن ابراهیم به شمار آورد.

از معروف‌ترین راویان تشیع بوده و بیش از هفت هزار حدیث را نقل کرده است؛ لذا به این امر مهم (دسته‌بندی موضوعی روایات) همت گمارده و نام ۱۴ کتاب او به ثبت رسیده است. شیخ طوسی پنج کتاب (طوسی، ۱۴۲۰ق: ۲۶۶) و نجاشی نام دیگر کتاب‌های او را در رجال خود آورده‌اند (نجاشی، ۱۳۶۵ش: ۲۶۰). با توجه به توثیقات مطرح‌شده، علی بن ابراهیم از برجسته‌ترین عالمان رجالی تشیع و دارای افکار اعتقادی صحیح، مورد اعتماد و وثاقت می‌باشد که به کثرت نقل حدیث به‌خصوص در کتاب کافی کلینی و علم وافر ستوده شده است.

ب. عمرو بن عثمان الخزاز

عمرو بن عثمان الخزاز در منابع رجالی به‌صورت عام و در مواردی منتسب به پسوندش، ثقفی و ازدی آورده شده است؛ در حال از نظر رجالیون توثیق شده‌اند، که در ذیل اشاره‌ای به شرح حال راوی می‌شود تا توثیق و ابهامات احتمالی مشخص شود. در مورد نسب عمرو بن عثمان در معجمات دو گونه آورده شده: ثقفی و ازدی. ابن داود «عمرو» را بدون «واو» و «خزاز» را بدون «راء» ابتدا، که در مجموع به‌صورت

«عمر بن عثمان الخزاز» آورده است (طوسی، بی تا: ۲۴۵). او ثقفی متقدم است (مامقانی، بی تا، ج ۱۲: ۳۳۵؛ اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۱: ۶۲۶). ایشان را صاحب کتاب معرفی کرده‌اند (طوسی، ۱۴۲۰ق: ۳۱۸؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۸۰ق: ۸۳؛ خدامیان آرانی، ۱۴۳۱ق، ج ۲: ۷۶۰).

در بقیه منابع بدین گونه توصیف شده است:

وی را ثقفی، ازدی، کوفی و ثقه خوانده‌اند؛ علاوه بر این نقی الحدیث، صحیح الحکایات، دارای کتاب و کتاب جامع در حلال و حرام بوده و در الوجیزه و مشکا توثیق شده است (علیاری تبریزی، بی تا، ج ۵: ۵۹۷). نجاشی، شیخ طوسی، رجال ابن داوود و علامه حلی در رجالشان او را توثیق کرده‌اند (نجاشی، ۱۳۶۵ش: ۲۸۷؛ طوسی، ۱۴۲۰ق: ۳۱۸؛ حلی، ۱۳۴۲ش: ۲۵۹؛ همو، ۱۳۸۱ش: ۳۲۱). مامقانی نیز اذعان به وثاقت ایشان از سوی رجالیون دارد و وی را ثقه، نقی الحدیث، صحیح الحکایات و دارای کتاب معرفی می‌کند (مامقانی، بی تا، ج ۱۲: ۳۳۵؛ خوبی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۴: ۱۲۸-۱۲۹). عمرو بن عثمان الخزاز اهل کوفه و راوی توثیق شده از سوی دانشمندان رجالی است که در کتب رجالی، با الفاظ مدح و توثیق از وی یاد شده است.

ج. علی بن عبدالله البجلی

وی از عمر بن عثمان الخزاز فراوان روایت کرده است (نوری، ۱۴۲۹ق، ج ۲۶: ۲۲۴). اردبیلی چند روایت تحت عنوان علی بن عبدالله بجلی ذکر کرده و آنچه او ذکر کرده، حتی اگر صحیح باشد، در آن به عنوان بجلی توصیف نشده است (خوبی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۳: ۸۵؛ بسام، ۱۴۲۶ق، ج ۲: ۶۴). علی بن عبدالله بجلی مهمل (مامقانی، بی تا، ج ۱، ص ۱۰۸) و مجهول است (بسام، ۱۴۲۶ق، ج ۲: ۶۴). راوی مذکور شخصی مهمل و مجهول می‌باشد و از جانب بزرگان رجالی مدح و توثیقی در مورد وی صورت نگرفته، لذا وی از روایانی است که نمی‌توان در سلسله اسناد به وی اعتماد کرد.

د. خالد القلانسی (خالد بن ماد القلانسی)

خالد القلانسی تحت عنوان «زیاد الباد» و «الماد» ضبط شده است. «خالد بن ماد القلانسی»، نجاشی و علامه او را توثیق کرده‌اند. «خالد بن زیاد» را، علامه توثیق کرده است و «خالد بن ماد» را نجاشی؛ «خالد قلانسی» نیز یک شخص است و به دلیل اختلاف

در نام پدرش، چند نفر محسوب شده است. غیر از نسبت‌های فوق نسبت‌های دیگری به او می‌دهند که همگی یک شخص هستند. خالد بن مازن القلانسی از اصحاب امام صادق علیه السلام بوده، کوفی و مولی است. ظاهراً او امامی بوده و مجهول‌الحال است (مامقانی، بی تا، ج ۲۵: ۱۷۹). چنین شباهتی باعث مجهول بودن توثیق و عدم توثیق راوی شده است؛ زیرا خالد بن مازن توثیق شده و بقیه راویان تقریباً حال مجهولی دارند (مظاهری، ۱۴۲۸ق: ۱۵۲). برخی از رجالیون وی را با خالد بن زیاد قلانسی یکی دانسته با این تفاوت که خالد بن زیاد توثیق نشده، ولی خالد بن مازن توثیق شده و عده‌ای معتقد به جدایی این دو از هم هستند (مامقانی، بی تا، ج ۱: ۳۹۳). بررسی سلسله اسناد، گویا نشان از جدا بودن شخصیت‌های روایی دارد: خالد بن مازن القلانسی عنه علی بن عبدالله البجلی فی باب الزیادات فی فقه الحج قریباً من الآخر. علی بن عبدالله البجلی عن خالد القلانسی عن ابی عبدالله علیه السلام فی باب فضل الحج و العمرة (اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۱: ۲۹۳).

خالد بن مازن القلانسی از موالی کوفه بود. نام وی در کتاب‌های رجالی در شمار اصحاب امام صادق علیه السلام و امام کاظم علیه السلام یاد شده است. مولی و تقه بوده و دارای کتاب می‌باشد (نجاشی، ۱۳۶۵ش: ۱۴۳).

با توجه به نظریه‌های مطرح شده، به خاطر اشتراک اسمی که در روایات به صورت خالد القلانسی آمده، موجب ابهام شده است؛ زیرا خالد القلانسی در بیشتر موارد مجهول و مهمل، ولی خالد بن مازن القلانسی توثیق شده و قابل اعتماد است. در روایات، خالد القلانسی به صورت عام آورده شده* که با توجه به طرق نقل و سلسله اسناد احادیث، معلوم می‌شود که راوی حدیث مذکور خالد بن مازن القلانسی بوده که غیر از خالد بن مازن و خالد بن زیاد است؛ به‌ویژه در باب روایات مربوط به حج که نمونه‌ای از طرق نقل آن در مطالب فوق اشاره گردید، معلوم می‌شود که راوی حدیث مذکور خالد بن مازن القلانسی بوده که غیر از خالد بن مازن و خالد بن زیاد است.

ارزیابی نهایی سند روایت: گرچه در سلسله سند این روایت، راویان قابل اعتماد و موثقی دیده می‌شوند که از سوی بزرگان رجالی توثیق شده‌اند، به دلیل وجود راوی مهمل و مجهول مانند علی بن عبدالله البجلی مورد اعتنا نبوده و روایتی ضعیف تلقی می‌گردد.

۲-۱-۳. روایت سوم ناظر بر آموزش بدون استثنا و بررسی سند آن

وَبِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ يَزِيدَ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ قَالَ: «قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مَا يَصْنَعُ اللَّهُ بِالْحَاجِّ قَالَ مَغْفُورٌ وَ اللَّهُ لَهُمْ لَأَسْتَشْنِي فِيهِ» (ابن بابویه، ۱۳۸۶ش: ۱۴۳)؛ خداوند با حج گزاران چه می‌کند؟ فرمود به خدا سوگند بدون استثنا همه آنها آمرزیده می‌شوند.

الف. حسین بن یزید

حسین بن یزید از نوفل بوده و از اصحاب امام رضا عليه السلام است (کشی، ۱۴۰۹ق: ۹۷) حسین بن یزید شاعر و ادیب بوده (حلی، ۱۴۱۱ق: ۲۱۶). شیخ طوسی نیز او را دارای کتاب دانسته (طوسی، ۱۴۲۰ق: ۱۵۲) و نجاشی این کتاب‌ها را عبارت از کتاب تقیه و کتاب سنه می‌داند (نجاشی، ۱۳۶۵ش: ۳۸). گروهی از قمی‌ها گفته‌اند: «وی در آخر عمرش غلو نمود؛ نجاشی می‌گوید: ما روایتی دال بر غلو وی ندیده‌ایم» (رحمان‌ستایش و جدیدی‌نژاد، ۱۳۸۴ش: ۹۷). «علامه خوبی بعد از ذکر دلایل ضعف، مدح و توثیق راوی تحلیل می‌کند که اتهام وارده به ایشان غلو بوده و اعتباری به غلو قدما نیست و همچنین غلو ایشان در اواخر عمرشان اتفاق افتاده و به آنچه قبل از آن روایت کرده است ضرری نمی‌رساند» (ربانی، ۱۳۸۵ش: ۱۲۹). گفته شده که طریق او صحیح است (عرفانیان یزدی، ۱۴۱۹ق: ۲۱۱). نگارندگان پژوهش حاضر در مورد حسین بن یزید و غلو ایشان، با علامه خوبی هم‌عقیده‌اند و راوی مذکور موثق و دارای اعتبار است.

ب. سیف بن عمیره

شیخ طوسی، سیف بن عمیره را نخعی، کوفی، تقه ذکر کرده و او را از اصحاب امام صادق عليه السلام و امام کاظم عليه السلام و دارای کتاب شمرده است (طوسی، ۱۴۲۰ق: ۲۲۴). نجاشی علاوه بر توصیفات مذکور درباره سیف بن عمیره می‌گوید: او کتابی دارد که توسط جماعتی از اصحاب ما روایت شده است (نجاشی، ۱۳۶۵ش: ۱۸۹). علاوه بر توثیقات مذکور، وی از جمله مستثنامنه از رجال کتاب *نوادر الحکمه* است (صالح معلم، ۱۴۲۶ق، ج ۱: ۲۲۴). از جمله رجال کتاب *المزار ابن‌المشهدی* است (همان: ۳۵۴). از رجالی است که مشایخ ثقات از وی نقل روایت کرده‌اند (همان، ج ۲: ۱۹۵). از کسانی است که کتابشان مشهور بوده است (همان، ج ۱: ۱۳۷) و همچنین سیف، از بزرگانی به شمار می‌رود که

روایتش از دیگری دلیل بر وثاقت او می‌شود (همان: ۴۳۹). با توجه به توثیقات نجاشی، طوسی و همچنین توضیحات مطرح شده از صالح معلم، سیف بن عمیره راوی قابل اعتماد و معتبری است.

ج. منصور بن حازم

منصور بن حازم از بزرگان اصحاب و فقهای ماست؛ وی از امام صادق علیه السلام و امام کاظم علیه السلام روایت کرده و دارای کتاب است که از جمله آن‌ها کتاب *اصول شرایع* و کتاب حج است (نجاشی، ۱۳۶۵ش: ۴۱۳). علامه حلی او را کوفی، ثقه، عین و صدوق خوانده است (حلی، ۱۳۴۲ش: ۳۵۳). با توجه به توثیقات علمای رجال و الفاظ مدح بیان شده در کتب رجالی از ایشان می‌توان به وثاقت و معتبر بودن وی در سلسله اسناد اذعان کرد.

ارزیابی نهایی سند روایت: راویان سلسله سند روایت، افراد موثق و قابل اعتمادند که توسط دانشمندان رجالی توثیق شده‌اند. با وجود این، حسین بن یزید در بین راویان سلسله سند توسط بعضی از راویان قمی تضعیف شده زیرا بر این باورند که وی در آخر عمرش غلو کرده است؛ درحالی‌که روایتی دال بر غلو وی دیده نشده و اگر غلو از جانب ایشان اتفاق افتاده باشد، مربوط به اواخر عمر ایشان است و به آنچه قبلاً روایت کرده آسیبی نمی‌رساند؛ لذا اشکالی در وثاقت و اعتبار ایشان دیده نشده و می‌توان گفت که این روایت صحیح است.

۲-۱-۴. روایت چهارم ناظر بر امنیت از ترس قیامت با موت در راه حج و بررسی سند آن

– عَلِيُّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ ابْنِ سِنَانَ: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام، قَالَ: «مَنْ مَاتَ فِي طَرِيقِ مَكَّةَ ذَاهِبًا أَوْ جَائِيًا، أَمِنَ مِنَ الْقَرْعِ الْأَكْبَرِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (کلینی، ۱۳۶۶ش، ج ۴: ۲۶۳)؛ کسی که در راه مکه بمیرد، چه موقع رفتن و چه زمان بازگشتن، از ترس بزرگ روز قیامت، در امنیت خواهد داشت.

الف. علی بن ابراهیم

شرح حال این راوی قبلاً مورد بررسی قرار گرفت.

ب. محمد بن ابی عمیر

در اغلب مکتوبات، او را به همراه کنیه پدرش یعنی «محمد بن ابی عمیر» آورده‌اند.

امامی بوده و از اصحاب اجماع است؛ با امامان کاظم، رضا، جواد علیهم السلام در یک عصر بوده، و از دانشمندانی محترم و جلیل القدر و دارای منزلت بسیار نزد دوست و دشمن است. به زهد و پرهیزگاری و صداقت و موثق بودنش ستوده شده است (حلی، ۱۴۱۱ق: ۱۴۱)؛ طوسی، ۴۲۰ق: ۴۰۵)، تا جایی که به خاطر صداقت و پایبندی به باورهایش و عدم پذیرش ظلم از جمله افشا نکردن نام اصحاب امام کاظم علیه السلام و شیعیان ایشان در عراق برای رشید و همچنین قبول نکردن منصب قضاوت از طرف مأمون پس از شهادت امام رضا علیه السلام، حاکمان عباسی او را مورد ستم و زورگویی قرار دادند؛ به گونه‌ای که بعد از تحمل چندین سال اسارت و شکنجه، تمامی اموال او مصادره شد و بعد از آزادی از زندان در فقر و نداری به سر می‌برد (حلی، ۱۳۴۲ش: ۲۸۸). از اصحاب ائمه علیهم السلام اساتید او هستند، از جمله معاویه بن عمار، حماد بن عیسی، جمیل بن درّاج، زرارة بن اعین، علی بن مهزیار و حسین بن سعید اهوازی، صفوان بن یحیی، حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام، که روایات بسیاری از آن‌ها روایت شده است (خویی، ۱۴۱۰ق، ج ۱۴: ۲۸۷-۲۸۸). نجاشی و طوسی کتب فراوانی برای او گزارش کرده‌اند، از جمله مغازی، احتجاج فی الامامة، مناسک الحج، اختلاف الحدیث، توحید، نکاح و امامت (نجاشی، ۱۳۶۵ش: ۳۲۷)؛ طوسی، ۴۲۰ق: ۴۰۵). به طور کلی محمد بن ابی عمیر پایبند و وفادار به مکتب علوی و دارای منزلت بسیار والا، محدث امامیه و از اصحاب اجماع در قرن سوم قمری است که محضر سه تن از امامان شیعه را درک کرده است. روایات مرسل او را همانند روایات مسندش می‌پذیرند، و از شخصیت‌هایی است که روایت‌های مرسل او مانند مسند معتبر دانسته شده است.

ج. عبدالله بن سنان

کوفی، ثقه و بزرگوار است. دوستدار ابی طالب، علاقه‌مند به بنی‌عباس بوده و در رابطه با چیزی طعنه‌ای به ایشان وارد نشده است (نجاشی، ۱۳۶۵ش: ۲۱۴). از همه مهم‌تر از ثقات رجال ابی عبدالله علیه السلام بوده است (کشی، ۱۴۰۹ق: ۱۶۴). کثیرالروایات بوده و از ابی عبدالله علیه السلام و ابی الحسن علیه السلام روایت کرده است (خویی، ۱۴۱۰ق، ج ۱۰: ۲۱۰). رجالیون متقدم و متأخر از عبدالله بن سنان به نیکی یاد کرده و ایشان را به وثاقت و جلالت ستوده‌اند؛ به گونه‌ای که در منابع رجالی یادآور شده‌اند که هرگز مورد طعن واقع

نشده و روزبه‌روز بهتر و پاک‌تر شده است.

ارزیابی نهایی سند روایت: این روایت، روایتی است که راویان آن همگی ثقه و مورد اعتبار و اعتماد هستند و از سوی دانشمندان رجالی مورد مدح و توثیق قرار گرفته‌اند؛ لذا بزرگی و جلالت این راویان مشهود بوده و صحیح بودن این روایت مورد تأیید است.

۲-۱۵. روایت پنجم ناظر بر ارزش حج و جبران ناپذیری آن با مال کثیر و بررسی سند آن

عَنْ صَفْوَانَ وَ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله لَقِيَهِ أَعْرَابِيٌّ فَقَالَ لَهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ - «إِنِّي خَرَجْتُ أُرِيدُ الْحَجَّ فَقَاتَنِي وَ أَنَا رَجُلٌ مُمِيلٌ فَمُرْنِي أَنْ أَصْنَعَ فِي مَالِي مَا أُبْلَغُ بِهِ مِثْلَ أَجْرِ الْحَاجِّ فَالْتَفَتَ إِلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله فَقَالَ أَنْظِرْ إِلَى أَبِي قُبَيْسٍ - فُلَوْ أَنَّ أَبَا قُبَيْسٍ لَكَ ذَهَبَةٌ حَمْرَاءُ أَنْفَقْتَهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ مَا بَلَغَتْ مَا يُبْلَغُ الْحَاجُّ ثُمَّ قَالَ إِنَّ الْحَاجَّ إِذَا أَخَذَ فِي جَهَّازِهِ لَمْ يَرْفَعْ شَيْئًا وَ لَمْ يَضَعْهُ إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ عَشْرَ حَسَنَاتٍ وَ مَحَا عَنْهُ عَشْرَ سَيِّئَاتٍ وَ رَفَعَ لَهُ عَشْرَ دَرَجَاتٍ فَإِذَا رَكِبَ بَعِيرَهُ لَمْ يَرْفَعْ خُفًّا وَ لَمْ يَضَعْهُ إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ مِثْلَ ذَلِكَ فَإِذَا طَافَ بِالْبَيْتِ خَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ فَإِذَا سَعَى بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ خَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ فَإِذَا وَقَفَ بِعَرَفَاتٍ خَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ فَإِذَا وَقَفَ بِالْمَشْعَرِ الْحَرَامِ خَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ فَإِذَا رَمَى الْجِمَارَ خَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ قَالَ فَعَدَّ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله كَذًّا وَ كَذًّا مَوْقِفًا إِذَا وَقَفَهَا الْحَاجُّ خَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ ثُمَّ قَالَ أَنِّي لَكَ أَنْ تَبْلُغَ مَا يُبْلَغُ الْحَاجُّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَ لَا تُكْتَبُ عَلَيْهِ الذُّنُوبُ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَ تُكْتَبُ لَهُ الْحَسَنَاتُ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَ بِكَبِيرَةٍ (طوسی، ۱۴۲۶ق، ج ۵: ۷۸۵)؛ همانا مردی اعرابی با رسول خدا صلى الله عليه وآله دیدار کرد و فرمود: ای پیامبر خدا به نیت زیارت خانه خدا از سرزمینم خارج شدم اما مانعی سر راهم قرار گرفت و نتوانستم حج را ادا کنم. چون مردی ثروتمندی هستم، دستور دهید کاری بکنم تا به ثواب همانند ثواب شخص حج‌گزار برسم. حضرت به کوه ابوقبیس نگاه کرد و فرمود: اگر به اندازه کوه ابوقبیس طلای سرخ مال تو باشد و همه آن را در راه خدا انفاق کنی، به ثواب آنچه شخص حج‌گزار به آن رسیده، نخواهی رسید. سپس فرمود: همانا حاجی هنگامی که لوازم و اسباب سفر را آماده می‌کند، بدون اینکه چیزی را بردارد و بگذارد خداوند ده حسنه در نامه اعمالش نوشته و ده گناه از آن می‌زداید و ده درجه وی را بالا می‌برد. پس اگر سوار بر مرکب خویش گردد،

مرکبش هیچ گامی را بر نمی دارد و فرو نمی گذارد مگر اینکه خداوند همان پاداش را برایش می نویسد، و وقتی به گرد کعبه طواف کند، از گناهانش بیرون می رود و وقتی میان صفا و مروه سعی کند، از گناهانش بیرون می رود و وقتی در عرفات بایستد از گناهانش بیرون می رود و وقتی در مشعر حرام بایستد، از گناهانش بیرون می رود و وقتی رمی جمرات کند، از گناهانش بیرون می رود. رسول خدا تا چند مورد دیگر برشمرد که در تمامی آن‌ها حج گزار از گناهان خویش بیرون می رود. ایشان فرمود: تو چطور می توانی به این ثواب‌هایی که حاجی درک می کند بررسی؟ امام صادق علیه السلام فرمود: همچنین تا چهار ماه برای حاجی گناهی نوشته نمی شود، بلکه برای او حسنه ثبت می شود، مگر آنکه گناه کبیره‌ای مرتکب شود.

شرح حال راویان حدیث پنجم - صفوان بن یحیی، محمد بن ابی عمیر و معاویه بن عمار - قبلاً مورد بررسی قرار گرفته است.

ارزیابی نهایی سند روایت: هر سه راوی این حدیث ثقه، مورد اعتماد و اعتبارند؛ به گونه‌ای که صفوان بن یحیی و محمد بن ابی عمیر از اصحاب اجماع بوده و در وثاقت این دو راوی جای هیچ گونه بحثی وجود ندارد و معاویه بن عمار نیز از شخصیت‌های برجسته رجالی عالم تشیع بوده، فردی موثق و قابل اعتماد است. با وجود این، این روایت، روایتی صحیح به شمار می آید.

۲-۱-۶. روایت ششم ناظر بر تعدد حج عامل عاقبت بخیری و بررسی سند آن

- حَدَّثَنَا أَبُو رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنِ الْحَجَّالِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ صَفْوَانَ بْنِ مِهْرَانَ الْجَمَّالِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: «مَنْ حَجَّ حَجَّتَيْنِ لَمْ يَزَلْ فِي خَيْرٍ حَتَّى يَمُوتَ» (ابن بابویه، ۱۳۸۴ش [الف]، ج ۱، ص ۱۰۰)؛ هرکس دو حج به جا آورد، تا زمانی که از دنیا برود، پیوسته در نیکی به سر می برد.

الف. سعد بن عبدالله

نام سعد بن عبدالله بدون پسوند و به صورت مطلق از راویان مشترک است؛ در مواردی نادر، سعد بن عبدالله بدون کنیه، پسوند و قید آورده شده که از اصحاب امام حسین علیه السلام ذکر شده است (تفرشی، ۱۳۷۷ش، ج ۲: ۳۱۲؛ مامقانی، بی تا، ج ۲: ۱۷).

ابوالقاسم سعد بن عبدالله بن ابی خلف اشعری قمی، رئیس طایفه، فقیه و چهره

سرشناس است. او احادیث زیادی از عامه شنیده و در جست و جوی حدیث، به نقاط مختلفی مسافرت کرده و با افراد مشهور از اهل سنت ملاقات داشته است (نجاشی، ۱۳۶۵ش: ۱۷۸؛ طوسی، ۱۳۶۵ش، ج ۱۰: ۷۴؛ همو، ۱۳۶۳ش، ج ۴: ۳۲۷؛ قهپایی، ۱۳۶۴ش: ۱۰۶-۱۰۷)، وی جلیل‌القدر بوده و حدیث‌های فراوانی از او نقل شده است. وی تصنیف‌های بسیاری دارد و دانشمندی موثق است (طوسی، ۱۴۲۰ق: ۲۱۶؛ طوسی، ۱۳۷۳ش: ۴۲۷؛ حلی، ۱۳۸۱ش: ۲۱۹). او شیخ اهل قم بود و وثاقت و فقاہتش در میان آنان اعتبار خاصی داشت (طوسی، ۱۳۶۳ش، ج ۴: ۳۲۷) و امام حسن عسکری علیه السلام را نیز دیدار کرده است (حلی، ۱۳۸۱ش: ۲۱۹). «ابن داود او را در شمار ضعیفان آورده؛ و آوردن او در باب ضعف‌عجاب است، زیرا هیچ شکی در توثیق او نیست» (نفرشی، ۱۳۷۷ش، ج ۲: ۳۱۲). همه طرق نقل سعد بن عبدالله در مشیخه، صحیح شمرده است (مرعی، ۱۴۱۷ق: ۲۷۴؛ اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ۴۹۵). «شهید ثانی گفته: بین اصحاب ما اختلافی در وثاقت و عظمت و فراوانی علم او نیست و ابن شهر آشوب نیز او را توثیق کرده است» (حر عاملی، ۱۴۱۶ق: ۳۸۱؛ کاظمی، ۱۴۲۵ق، ج ۱: ۵۳۶). او و پدرش در سندهای *الفتیہ* به صورت ثقه آمده‌اند (اعرجی کاظمی، ۱۴۱۵ق، ج ۲: ۱۳۵؛ مازندرانی حائری، ۱۴۱۶ق، ج ۳: ۳۲۸). علامه خویی می‌فرماید: سعد بن عبدالله کسی است که سخنی و اشکالی در وثاقتش نیست (خویی، ۱۴۱۳ق، ج ۹: ۸۲). طریق سعد بن عبدالله، از محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، به قرینه همه روایات صحیح است (همان: ۸۸). طریق شیخ طوسی و صدوق در کل به سعد بن عبدالله صحیح است (همان: ۸۴). از عالمان و مصنفان مشهور امامی مذهب و کتاب‌های او *الرحمة*، *مناقب رواة الحدیث* و *مثالب رواة الحدیث*، در نزد عالمان قدیم مورد اعتماد بوده است (رحمان‌ستایش و جدیدی‌نژاد، ۱۳۸۴ش: ۳۵۲). نام سعد بن عبدالله بدون پسوند مجهول است، اما سعد بن عبدالله با این طریق، از محمد بن الحسین بن ابی الخطاب صحیح است.

با توجه به بررسی انجام‌شده، طرق نقل، قید قمی و کنیه ابوالقاسم و... به نظر می‌رسد ایشان سعد بن عبدالله قمی بوده و توسط رجالیون به نیکی یاد شده، که از ابی‌الخطاب نقل حدیث کرده است.

ب. محمد بن الحسین بن ابی الخطاب

فرزند ابی الخطاب و جدش «زید» و کنیه اش محمد است. وی شخصی عظیم‌القدر و بزرگوار بود و چهره‌ای برجسته و منزلتی بسیار بزرگ میان شیعیان داشت؛ در عین حال با اوصافی چون حسن التصانیف، مسکون الی روایت، ثقه و عین مدح شده و به کثرت روایات، مشهور است (حلی، ۱۴۱۱ق: ۱۴۱). وی در شهر کوفه زندگی می‌کرد (طوسی، ۱۴۲۰ق: ۴۰۰). پیشه روغن‌فروشی داشته و فرد مورد اعتماد شیعه و جزء یاران امام جواد علیه السلام بوده است (همو، ۱۳۷۳ش: ۳۹۱). ابن ابی الخطاب عمر درازی داشت؛ وی پس از امام جواد علیه السلام، امام هادی و امام حسن عسکری علیهما السلام را درک کرد. در مورد روایات وی گفته شده: طریق او صحیح است (ابن بابویه، ۱۴۰۴ق، ج ۴: ۵۳۵) و چندین کتب شناخته‌شده و روایت‌های فراوان از او به جا مانده؛ از جمله کتب توحید، معرفه و بداء، رد علی أهل قدر، إمامة، لؤلؤة، نوادر (نجاشی، ۱۳۶۵ش: ۳۳۴). از افرادی مانند صفوان بن یحیی، محمد بن سنان، محمد بن ابی عمیر، حسین بن محبوب، جعفر بن بشیر، احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی روایت دارد (ابن بابویه، ۱۳۶۲ش: ۷۶۴، ۷۶۸، ۷۷۰ و ۸۳۵). این اسناد بیانگر فعالیت‌ها و پیوندهای سیاسی وی می‌تواند باشد. با این همه بعید نمی‌نماید که وی رابط میان شخصیت‌های برجسته شیعه مانند محمد بن ابی عمیر در بغداد و کوفه بوده و حلقه اتصالی میان نمایندگان و چهره‌های برجسته شیعه باشد.

ج. عبدالله بن محمد الحجال

عنوان عبدالله حجال به عبدالله بن محمد حجال که مولی بنی تیم الله و ثقه است تبدیل شده و در الوسائل نیز آمده است (بسام، ۱۴۲۶ق، ج ۱: ۶۶۶؛ خویی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۱: ۳۲۳؛ قهپایی، ۱۳۶۴ش، ج ۴: ۴۷). او دارای کتاب، استاد کوفی مزخرف، مولای بنی تیم بوده، اسدی متقدم است و به صورت ثقه، ثقه، ثبت، دارای کتاب، یرویه عدة من أصحابنا مدح شده است (خویی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۱: ۳۲۳؛ قهپایی، ۱۳۶۴ش، ج ۴: ۴۷؛ حلی، ۱۳۸۱ش: ۲۷۸؛ استرآبادی، ۱۴۲۲ق، ج ۷: ۱۲۱؛ بسام، ۱۴۲۶ق، ج ۱: ۶۵۰). از صفوان بن مهران الحجال نقل روایت کرده، که مورد اعتماد همگان می‌باشد. مشیخه الفقیه در طریق صفوان بن مهران الحجال و عبدالله بن محمد حجال خاطر نشان کرده‌اند: طریق او صحیح بوده و از امام صادق علیه السلام و امام رضا علیه السلام روایت کرده است (خویی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۲: ۹۳).

رجالیون علاوه بر موارد فوق در السجیزة ثقه ذکر کرده‌اند (طوسی، ۱۳۷۳ش: ۳۶۰؛ علیاری تبریزی، ۱۴۱۲ق، ج ۵: ۲۷۵). مولای بنی تیم بوده و به صورت ثقه ثقه، ثبت، مدح شده و از امام صادق علیه السلام با واسطه نقل روایت کرده است (بسام، ۱۴۲۶ق، ج ۱: ۶۳۸). شیخ طوسی وی را از اصحاب علی بن موسی الرضا علیه السلام شمرده و مولای بنی تیم الله و ثقه گفته است (نجف، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۴۰۳) و در طریق او، شیخ مفید علاوه بر اینکه وی را از اصحاب امام رضا علیه السلام شمرده، او را دارای کتاب معرفی کرده و طریق شیخ به وی صحیح است (خویی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۱: ۳۲۳). عبدالله بن محمد الحجال از جمله راویانی است که علمای رجال متقدم و متأخر ایشان را به وثاقت توصیف کرده و با الفاظ مدح مورد ستایش قرار داده‌اند.

د. صفوان بن مهران الجمال

به خاطر قبیله اش بنی اسد به اسدی کاهلی شناخته شده، مولای آن‌ها کوفی بوده و ثقه (ابن بابویه، ۱۴۰۵ق، ج ۴: ۲۵؛ طوسی، ۱۳۷۳ش: ۲۲۷؛ مظاهری، ۱۴۲۸ق: ۲۰۱) دارای کتاب است (طوسی، ۱۴۲۰ق: ۲۴۴). علاوه بر مطالب فوق، همه بر ثقه بودن او صحه گذاشته‌اند (قهپایی، ۱۳۶۴ش، ج ۳: ۲۱۶؛ علیاری تبریزی، ۱۴۱۲ق، ج ۵: ۴۰-۴۱؛ شوشتری، ۱۴۱۰ق، ج ۵: ۵۰۴). از اصحاب امام صادق علیه السلام و امام کاظم علیه السلام ثقه و دارای جلالت قدر بوده؛ به اتفاق همه رجالیون، دارای شأن و جایگاه و ایمان قوی می‌باشد (نمازی شاهرودی، ۱۴۱۴ق، ج ۴: ۲۶۵؛ خویی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۰: ۱۳۴).

مامقانی و خویی در جمع‌بندی و بررسی راوی فوق، ایشان را از همه راویان معتبر، ثقه و دارای کتاب و روایات صحیح و معتبر دانسته و همه رجالیون معتبر از جمله نجاشی، طوسی، کشی، برقی، مفید، مجلسی و مامقانی ایشان را به وثاقت و دارای اعتبار معرفی کرده‌اند (مامقانی، بی تا، ج ۲: ۱۰۰؛ خویی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۰: ۱۳۴؛ نمازی شاهرودی، ۱۴۲۲ق: ۱۵۶). رجالیون، طریق روایت صفوان بن مهران الجمال را آورده و طریق روایت ایشان را حجال و صفوان بن یحیی ذکر کرده‌اند که صفوان جز از ثقات نقل حدیث نمی‌کند، لذا طریق ایشان در نقل حدیث صحیح بوده است (ابن بابویه، ۱۴۰۴ق، ج ۴: ۴۳۷؛ اعرجی کاظمی، ۱۴۱۵ق، ج ۲: ۱۴۲؛ خویی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۰: ۱۳۴). علاوه بر این، با توجه به سلسله سند و طریق راویان، که هر کدام از آن‌ها به صورت جداگانه توثیق

شده‌اند و اتصال آن به معصوم علیه السلام قطعی است، اشکالی در روایت دیده نمی‌شود.

ارزیابی نهایی سند روایت: با توجه به بررسی رجالی در سلسله سند روایت، راویانی دیده می‌شود که بزرگان رجال از آنان به جلالت، منزلت و به نیکی یاد کرده و همه آنان را با الفاظ مدح و توثیق آورده‌اند که توثیق این عالمان برای سلسله سند و از قابل اعتماد بودن آنان می‌توان به صحیح بودن روایت حکم نمود.

۲-۱-۷. روایت هفتم ناظر بر تعدد حج عامل رهایی از فشار قبر و بررسی سند آن

– عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ قَالَ: «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَمَّنْ حَجَّ أَرْبَعَ حَجَجٍ مَا لَهُ مِنَ الثَّوَابِ قَالَ يَا مَنْصُورُ مَنْ حَجَّ أَرْبَعَ حَجَجٍ لَمْ تُصَبِّهُ ضِعْفَةُ الْقَبْرِ أَبَدًا» (همان‌جا)؛ از امام صادق علیه السلام سؤال کردم درباره کسی که چهار بار حج رفته باشد ثوابش چیست؟ فرمودند: ای منصور کسی که چهار بار حج برود، هرگز دچار فشار قبر نمی‌شود.

شرح حال راویان این حدیث - سعد بن عبدالله، محمد بن الحسین بن ابی الخطّاب، صفوان بن یحیی و منصور بن حازم - قبلاً مورد بررسی قرار گرفته است.

ارزیابی نهایی سند روایت: همه این راویان ثقه و مورد اعتماد و اعتبار بوده و

روایت، روایتی صحیح است.

۲-۲. تحلیل سندی روایات ناظر بر ثواب

۲-۲-۱. ارزیابی سند احادیث تعدد حج

سند احادیث تفاوت ثواب حج، صحیح و مسند هستند و سلسله اسناد توسط رجالی موثق و امامی مذهب به معصوم متصل می‌گردد، به جز یک روایت که ضعیف و مسند است؛ آن‌هم به خاطر وجود یک راوی مجهول و مبهم در روایت دوم و الفاظ جرح و ابهامی که در راویان سلسله سند وجود دارد، که عامل ضعیف بودن روایت شمرده شده است، بالاینکه این روایت نیز مسند می‌باشد. با فرض بر اینکه تعدادی از این روایات از نظر سندی صحیح نباشند، ضعف سند نمی‌تواند برای کنار گذاشتن احادیث تعدد حج دلیل محکمی باشد؛ چراکه متن این احادیث با آیات قرآنی، احادیث صحیح دیگر و عقل مطابقت دارد.

۲-۲-۲. عقل محدود انسان مانع از درک ثواب‌های کثیر آخرت

زمانی که با چنین احادیثی روبه‌رو می‌شویم، گمان می‌کنیم این روایات صحیح نبوده و در آن‌ها زیاده‌روی و مبالغه شده است، درحالی‌که خداوند در قرآن به ثواب و پاداش‌های مضاعف، ده برابر، هفتصد برابر اشاره کرده که در باب تفضل الهی به صورت مبسوط آورده شده است. به نظر می‌رسد عقل محدود بشری توان درک چنین ثواب‌هایی را نداشته و گویا انسان با غلبه فیزیک، مادیات، عرف و عقل محدود به این نتیجه رسیده که در عالم واقع، چنین ثوابی امکان وقوع ندارند، درحالی‌که قرآن و سنت ابهام به وجود آمده در ثواب‌های افزون را برطرف می‌کند.

۲-۲-۳. توجه به اعداد در روایات، و دلالت آن‌ها بر کثرت

حج‌های دوگانه، چهارگانه، ده‌گانه و ثواب‌های متفاوتی که به احادیث «عارفاً بحقه» و احادیث دیگر تعلق می‌گیرد، در این مفهوم‌ها، عدد در آن‌ها مفهوم عددی و شمارشی ندارد، بلکه مقصود از آن کثرت و فزونی است. به عبارت دیگر، شمارش کردن و تعداد قائل شدن، در حیطه ثواب مطرح نبوده و هدف اندازه‌گیری و شماره گذاشتن بر آن نمی‌باشد. برای مثال وقتی فردی یک میلیارد اندوخته داشته و از آن صد هزار تومان باقیات صالحات و در راه خیر هزینه کند، در برابر کسی که در مجموع یک میلیون اندوخته داشته و صد هزار تومان صرف امور خیر کند، ثواب یکسانی نخواهند داشت. با وجود این معیار ارزش‌گذاری در ترازوی خداوند که به میزان حق معروف است (اعراف: ۸)، بر اساس عوامل مختلف چون نیت، کیفیت عمل، خلوص و ارادت و... سنجیده می‌شود و از باب کثرت برای زائر به میزان معرفت و کیفیت عمل بر اساس میزان حق ثواب داده می‌شود. لذا کثرت ثواب نسبت به نوع و چگونگی عمل و موارد تأثیرگذار دیگر، متفاوت است. همچنین از باب تشویق و ترغیب زائران به زیارت از باب تساهل و تسامح در تشریح برای کیفیت عمل بهتر زیارت‌کنندگان ثواب‌هایی افزون برای اعمال زائران مطرح کرده‌اند که رابطه عددی و کمی ثواب مطرح نبوده، بلکه نشانگر تغلیب رحمانیت خداوند بر غضبش در مقام ثواب همچون ثواب دادن خداوند بر اساس تفضل الهی و جزای ده برابر تا هفتصد برابر و بغیر حساب که کیفیت بیشتر اعمال و کثرت ثواب آنان را در پی دارد.

۳. تبیین محتوایی علل تفاوت ثواب حج و عمره

در ارزیابی اختلاف روایات ثواب زیارت خانه خدا، چندین علل متفاوت در تنوع ثواب مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۳-۱. قدرت اختیار و اراده بر اعمال

ثواب زمانی مطرح است که عمل از روی اختیار باشد، هرچه دامنه اختیار زائر در اعمال و کردارش بیشتر بوده و توان دخل، تصرف و اراده افزون تری داشته باشد، به اندازه اختیارش نسبت به اعمالش ثواب بیشتری خواهد داشت؛ چراکه با توجه به اختیارات وسیع، او می‌توانست اعمال حج و حالات روحانی دخیل در زیارت را به هر کیفیتی انجام دهد، ولی با اختیار تام، خویش را از قید و تملیک رها کرده و به دور از هرگونه ریا، گناه، اجبار و با عشق و علاقه درونی راه حق را پیش گرفته است. لذا به همان اندازه، استعداد و توانایی دریافت ثواب بیشتری خواهد داشت.

۳-۲. تفضل الهی

مصادیق ثواب با توجه به آیات قرآنی در چهار حالت اشاره شده، که همانند روایات ثواب حاکی از تفضل الهی و تغلیب رحمان خداوند بر غضبش در مقام ارزیابی بندگان می‌باشد که عبارت‌اند از: جزای چندبرابر، جزای بغیر حساب، پاداش به هرچه بخواهند، تفضل الهی.

آیات قرآنی درباره جزای چندبرابر: «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا» (انعام: ۱۶۰)، از ده برابر تا هفتصد برابر: «مِثْلُ الَّذِينَ يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمِثْلِ حَبَّةِ خَبثٍ أَنْتَبَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِثَّةٌ حَبَّةٍ وَ اللَّهُ يَضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (بقره: ۲۶۱) و آیات دیگر (ق: ۳۵؛ بقره: ۲۴۵؛ نساء: ۴۰؛ نمل: ۸۹؛ شوری: ۲۳؛ یونس: ۲۶).

و نیز درباره «جزای بغیر حساب» خداوند متعال می‌فرماید: «فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ» (غافر: ۴۰؛ نور: ۳۸)، «پاداش به هرچه بخواهند»: «اللَّهُمَّ مَا يَشَاءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ذَلِكَ جَزَاءُ الْمُحْسِنِينَ» (زمر: ۳۴؛ شوری: ۲۲)؛ «تفضل الهی»: «لِيَجْزِيَ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَ يَزِيدَهُمْ مِنْ فَضْلِهِ وَ اللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ» (نور: ۳۸) و آیات دیگر تفضل الهی (فاطر: ۳۰؛ نور: ۱۴؛ نساء: ۱۷۵؛ آل عمران: ۱۷۱؛ شوری: ۲۶؛ حدید: ۲۱؛ احزاب: ۴۷) و جزای بدی را بمثل آن و عفو و بخشش گناهان اعلام می‌دارد «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَ مَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يَجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا وَ هُمْ لَا يَظْلَمُونَ» (انعام: ۱۶۰).

دو مقوله «تفضل الهی» و «عدل الهی» شاخصه مهم و برجسته این بحث، برای تشویق و ترغیب انسان‌ها به کارهای شایسته‌اند؛ یعنی اینکه عدل الهی ایجاب می‌کند بیش از استحقاق افراد عذاب نکند و مجازات برابر عمل فرد باشد؛ حتی در این راستا نیز تفضل کرده و در مواردی حرف از بخشش گناهان آورده است. و در مورد تفضل الهی در مقام ثواب، ایجاب می‌کند که پاداش افراد بیش از آنچه انجام داده‌اند اعطا شود؛ یعنی تمام پاداش‌ها و امتیازات بهشتی، همه ریشه در فضل الهی دارند.

۳-۳. نیت و اخلاص

فرجام انسان، بهشتی و دوزخی شدن او و امدار چگونگی نیت است، و رسیدن به ثواب بدون نیت حاصل نمی‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۲ش، ج ۲: ۲۸۰). خداوند در آیه ۱۹۶ سوره بقره می‌فرماید: «اتَمُوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ»: برای خدا، حج و عمره را به پایان برسانید. امیرمؤمنان علی علیه السلام در این مورد می‌فرماید: «الْأَعْمَالُ ثَمَارُ النَّيَاتِ» (آمدی، بی‌تا، ج ۱: ۳۱) کارها ثمره نیت‌اند. «لَا يَكْمُلُ صَالِحُ الْعَمَلِ إِلَّا بِصَالِحِ النَّيَةِ» (همان، ج ۲: ۸۴۸) عمل صالح مگر به نیت صالح و پاک کامل نمی‌گردد. و نیز حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «أُمُورًا لَهُ خَاصَّةٌ لَّا تَشُوبُهَا مِنْ غَيْرِهَا شَائِبَةٌ ... أَعْظَمَ كَانَتْ الْمُثُوبَةُ وَالْجَزَاءُ أُجْزَلَ» (سید رضی، ۱۳۹۰ش، ح ۱۹۲: ۲۷۶) اگر کارها با نیت خالص و بی‌شائبه و غیرخدایی نبوده و فقط برای خدا باشد، ثواب و پاداش آن به مراتب بزرگ‌تر خواهد بود.

واضح است که سبب اختلاف در ثواب، اختلاف در نیت و درک لطایف و اسرار عبادت و اثر گرفتن روح از مناسک حج است (ضیاءآبادی، ۱۳۶۰ش: ۴۹).

با دقت در روایات ذیل مشاهده می‌گردد که بر اثر تأثیر نیت، حجاج به سه گروه متفاوت تقسیم می‌شوند:

۱. مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: «الْحُجَّاجُ يَصْدُرُونَ عَلَي تَلَاثَةِ أَصْنَافٍ صِنْفٌ يَعْتَقُ مِنَ النَّارِ وَ صِنْفٌ يَخْرُجُ مِنْ ذُنُوبِهِ كَهَيْئَةِ يَوْمٍ وَكَلَدَتْهُ أُمُّهُ وَ صِنْفٌ يَحْفَظُ فِي أَهْلِهِ وَ مَالِهِ فَذَاكَ أَذْنَى مَا يَرْجِعُ بِهِ الْحَاجُّ» (کلینی، ۱۳۶۶ش، ج ۴: ۲۵۳)؛ حاجیان در برگشتن از حج، سه گروه خواهند بود: دسته‌ای از آتش جهنم آزاد شوند، و گروهی مانند روزی که از مادر متولد شدند از گناهان پاک گردند، و دسته سوم اشخاصی هستند که اموال و زن و فرزند آن‌ها محفوظ ماند، و این دسته کم‌بهره‌ترین حاجیان باشند.

۲. هارون بن خارجه عن أبي عبد الله عليه السلام قال: «الْحَجُّ حَجَّانِ حَجٌّ لِلَّهِ وَحَجٌّ لِلنَّاسِ فَمَنْ حَجَّ لِلَّهِ كَانَ ثَوَابُهُ عَلَى اللَّهِ الْجَنَّةَ وَمَنْ حَجَّ لِلنَّاسِ كَانَ ثَوَابُهُ عَلَى النَّاسِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (ابن بابویه، ۱۳۸۶ش: ۱۴۳)؛ حج دو گونه است حج بخاطر خدا و حج بخاطر مردم...

۳-۴. معرفت زائر «عارفاً بحقه»

با توجه به روایات و بررسی‌های صورت گرفته، واژه «عارفاً بحقه» را می‌توان مفهومی عام که حاکی از شناخت ولایت، عصمت امام معصوم، ویژگی‌های خاص و برجسته آن امام معصوم و واجب الطاعه بودن آن‌ها دانست؛ لذا شناخت این مفهوم و عمل به آن، انسان را در راستای زندگی معصوم و الگویی که عاری از خطاست قرار می‌دهد، و چنین زندگی و اعمالی سراسر ثواب و فضیلت است.

آنچه مایه کمال زیارت می‌گردد، شناختی است که زائر از موقعیت و اخلاص و عمل خود دارد نه اعمال بی‌روح و همراه با غفلت؛ همانند بوسیدن صرف و گردش به دور کعبه. به‌خاطر معرفت است روایاتی که درباره ثواب حج آمده‌اند در عین صحیح بودن روایت، ثوابشان متفاوت است؛ زیرا حال و معرفت زائران نسبت به هم متفاوت‌اند؛ از این روست که ثواب‌ها از ده حسنه، صد حسنه و... به صورت متفاوت بیان می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۱ش: ۴۳)، پس معیار علو زیارت، معرفت است (همو، ۱۳۸۳ش: ۲۵۸) و ثواب حج را از ده حسنه به صد حسنه و حتی بیشتر ارتقا می‌دهد.

اکنون چند نمونه از روایاتی که در آن به معرفت زائر اشاره شده بیان می‌شود:

۱. نقل من خط شیخ الشهید عن الباقر عليه السلام: «مَنْ نَظَرَ إِلَى الْكَعْبَةِ عَارِفاً بِحَقِّهَا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذُنُوبَهُ وَكَفَى مَا أَهَمَّهُ» (مجلسی، ۱۴۲۹ق، ج ۹۶: ۳۴۳؛ ابن بابویه، ۱۴۲۸ق، ج ۲: ۲۸۴؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۱۲: ۲۴۵)؛ هرکس به کعبه نگاه کند درحالی که عارف به حق آن است، گناهِش بخشیده شده و او را از آنچه اهمیت دارد کفایت می‌کند.

۲. قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: «مَنْ أَتَى الْكَعْبَةَ فَعَرَفَ مِنْ حَفَّنَا وَحُرْمَتِنَا مِثْلَ الَّذِي عَرَفَ مِنْ حَقِّهَا وَحُرْمَتِهَا لَمْ يَخْرُجْ مِنْ مَكَّةَ إِلَّا وَقَدْ غُفِرَ لَهُ ذُنُوبُهُ وَكَفَاهُ اللَّهُ مَا يَهْمُهُ مِنْ أَمْرِ دُنْيَاةٍ وَآخِرَتِهِ» (مجلسی، ۱۴۲۹ق، ج ۹۶: ۳۴۱)؛ هرکس به کعبه شرفیاب شود و حقیقت و حرمت معصومین عليهم السلام را بشناسد، همچون کسی است که به حقیقت و حرمت کعبه معرفت پیدا کرده است و از مکه خارج نمی‌شود مگر اینکه گناهانش آمرزیده می‌شود و خداوند او را از کارهای

دنیا و آخرتش آنچه را اهمیت دارد کفایت می‌کند.

۳. عَنْ إِبْرَاهِيمَ التَّمِيمِيِّ قَالَ: كُنْتُ أُطُوفُ بِالْبَيْتِ الْحَرَامِ فَأَعْتَمَدَ عَلَيَّ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ أَلَا أَخْبَرُكَ يَا إِبْرَاهِيمُ مَا لَكَ فِي طَوَافِكَ هَذَا قَالَ قُلْتُ بَلَى جُعِلْتُ فِدَاكَ قَالَ «مَنْ جَاءَ إِلَيَّ هَذَا الْبَيْتِ عَارِفاً بِحَقِّهِ فَطَافَ بِهِ أُسْبُوعاً وَ صَلَّى رُكْعَتَيْنِ فِي مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ عَشْرَةَ آلَافِ حَسَنَةٍ وَ رَفَعَ لَهُ عَشْرَةَ آلَافِ دَرَجَةٍ» (همو، ج ۷۱: ۲۸۱)؛ هر کس به این خانه بیاید در حالی که عارف به حق آن باشد و هفت دور طواف کرده و دو رکعت نماز در مقام ابراهیم به جا آورد، بر او ده هزار حسنه نوشته شده و ده هزار درجه او را بالا می‌برد. در روایات، زمانی که از واژه «عارفاً بحقه» یعنی معرفت و شناخت زائر استفاده کرده، ثوابی به مراتب بیشتر و بالاتر از ثواب‌های معمول که در اعمال مشابه آن است، برای زائر یاد کرده است. با توجه به این روایات، چنین به دست می‌آید که شناخت و معرفت «عارفاً بحقه»، لازمه، مقدمه و کلید گشایش برای اعمال و رفتار و کردار زائر از سوی زیارت‌کننده باشد که مستحق چنین ثواب‌های فراوانی نسبت به اعمال مشابهش که بدون معرفت هستند، می‌گردد.

۵-۳. اهمیت کیفیت زیارت به دلیل جسمانی و روحانی بودن شاکله انسان

به صراحت آیات قرآنی و روایات معصومین علیهم‌السلام، انسان از دو بُعد جسمانی و روحانی تشکیل شده و ابهام موجود در ثواب، به خاطر ارزش‌گذاری ما بر اساس بُعد جسمانی بوده و از بُعد روحانی آن غافل می‌شویم. با وجود این، این ابهام در ذهن ما شکل می‌گیرد که ثواب اعمال باید یکسان باشد، در حالی که با توجه به جنبه روحانی اعمال از جمله معرفت زائر، به خاطر رضای خدا بودن، بدون ریا و سُمعه بودن، نحوه حضور قلب در رعایت آداب زیارت، کیفیت اجرای آن و خلوص و حال و هوایی که زائر در آن به سر می‌برد، طبعاً زیارتی که از کیفیت بهتری برخوردار بوده، ارزش و ثواب بیشتری خواهد داشت و ممکن است زیارت زائری، برابر با یک حج، ارزش‌گذاری شود و زیارت زائری دیگر، برابر ده حج، و زیارت فردی دیگر، صد حج و بیشتر. لذا بُعد روحانی اعمال ارزش و ثواب بیشتری دارند و ارزش‌گذاری یک حج تا صد حج، متأثر از عوامل مذکور است.

۶-۳. اصل ولایت جوهره حج

ائمة معصوم علیها‌السلام جامعیت عینی و علمی دارند، به این معنا که اولاً هر کمال ممکن‌ی را

واجدند؛ ثانیاً هرچه را دارا هستند، مصون از عیب و نقص است؛ ثالثاً هرچه را در مرحله حدود واجد هستند، در مرحله بقا نیز دارا خواهند بود، پس این مقام جمع‌الجمعی را می‌توان از عدیل بودن آنان با کتاب بی‌بدیل الهی یعنی قرآن استنباط کرد، که موجب عدم گمراهی و هدایت زائر می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۱ش، ج ۱: ۴۷)؛ لذا شناخت به ولایت در حج در طول شناخت خداوند بوده و مستلزم ثواب بیشتر، که در زیارت جامعه به آن اشاره شده است: «و من عرفهم فقد عرف الله» (قمی، ۱۳۸۶ش: ۹۰).

روایات فراوانی وجود دارند که به جا آوردن حج فقط با پذیرش ولایت و پیوند با آن تکمیل می‌شود، از جمله:

۱. «الامامة تمام الدین... بالامام تمام الصلاة و الزکاة و الصیام و الحج و الجهاد» (قیومی اصفهانی، ۱۳۷۹ش: ۲۵۲)؛ امامت تکمیل‌کننده دین است...، امام تکمیل‌کننده نماز و زکات و روزه و حج و جهاد است.

۲. عن زرارة بن اعین نظر ابو جعفر علیه السلام الى «... انما امروا ان يطوفوا بها ثم ینفروا الینا فیعلمونا و لایتهم و مودتهم و یعرفوا علینا نصرتهم» (ابن بابویه، ۱۳۸۴ش، ج ۲: ۶۴۶)؛ همانا مردم امر شده‌اند که گرد کعبه طواف کنند و سپس به‌سوی ما کوچ کنند و ولایت و دوستی خود را به ما اعلام دارند و یاری خود را نسبت به ما عرضه کنند.

۳. اسماعیل بن مهران عن جعفر بن محمد: «اذا حج احدکم فلیختم حجته بزیرتنا لان ذلک من تمام الحج» (همان: ۳۶۰)؛ هریک از شما که حج به جا آورد، حجش را با زیارت ما پایان دهد، زیرا این کار لازمه کمال حج است.

حج بی‌ولایت، نیت کعبه و رفتن به عرفات بدون شناخت امام و قربانی در منا بدون ایثار و ازجان‌گذشتگی در طریق پیشوایی حق، سعی بین صفا و مروه بدون پیروی از امام بی‌حاصل بوده و ثواب چندانی نخواهد داشت، زیرا ولایت، رکن استوار اسلام بوده (جوادی آملی، ۱۳۸۳ش: ۴۵) و حج بدون پیامبر صلی الله علیه و آله و بدون رهبری آسمانی، یک سرزمین معمولی و عادی خواهد بود (جمعی از صاحب‌نظران، ۱۳۶۱ش: ۶۷) و ثواب و ارزش مضاعف را نخواهد داشت.

۷-۳. مشقت، سختی و عوامل سیاسی حاکم

هرچه مقدمات مشقت آور باشد، دلیل روشن‌تری بر ارادت، و محبت زائر است و اجر و

ثواب آن نیز مطابق مراتب مشقت بیشتر یا کمتر خواهد بود (جوادی آملی، ۱۳۸۱ش، ج ۱: ۶۸). روایاتی که پاداش هر عملی را به اندازه سختی آن اثبات می‌کند؛ نظیر «ثواب العمل علی قدر المشقة فیہ» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶ش: ۲۱۸)؛ پاداش هر کاری به اندازه سختی آن است؛ «کلما كانت البلوی و الاختبار اعظم كانت المثوبة و الجزا اجزل» (نهج البلاغه، ح ۱۹۲: ۲۷۶)؛ هر مقدار آزمایش و مشکلات بیشتر باشد، ثواب و پاداش نیز بزرگ‌تر خواهد بود. «... ما من احد یبلغه حتی تلحقه المشقة و ان ثوابه علی قدر مشقته» (مجلسی، ۱۴۱۴ق، ج ۷: ۱۷۲)؛ هیچ‌کس به آن یعنی به مکه معظمه نمی‌رسد تا مشقت به او نرسد و به درستی که ثواب آن، به مقدار مشقت آن است.

با توجه به قدر مشقت و شرایط سیاسی، ثواب مضاعف و متفاوت برای زائران متصور می‌گردد، به گونه‌ای که ثواب سایر زائران در زمان صلح و جنگ و ثواب حجاج شیعه با فشارهای سیاسی حاکم در عین مشابه بودن اعمال یکسان نخواهد بود.

۸.۳. شرایط زمانی و مکانی

در روایات دیده می‌شود که ثواب رفتن به حج در ماه‌های ذی‌حجه، محرم، صفر، ربیع (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴: ۲۵۵) و ثواب شب‌های قدر (قدر: ۳)، وقت سحر (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۴۷۷) و مکان‌هایی چون مقام ابراهیم علیه السلام (بقره: ۱۲۵) و مسجدالنبی و مسجدالحرام (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴: ۵۸۶) و محل خاک‌سپاری حضرت فاطمه علیها السلام که از آن به روضة من ریاض الجنة یاد شده (همان، ۱۴۰۷ق، ج ۴: ۵۵۶)، متفاوت نقل شده است. علاوه بر این در روایات می‌بینیم ثواب بیشتری برای زیارت امام رضا علیه السلام نسبت به زیارت امام حسین علیه السلام ثبت شده است (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶: ۸۴؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴: ۵۸۴) که علت این مسئله ارجحیت امامی بر امام دیگر به صورت مطلق نبوده و زمان و مکان از نظر ذات یکسان‌اند بلکه به خاطر تعلقاتی که داشته‌اند متصور است؛ از جمله شرایط مکانی، زمانی و حوادث و یا انتساب به پیامبران و ائمه می‌تواند موجب تفاوت ثواب‌ها و ارجحیت باشند؛ لذا زیارت می‌تواند ثوابی مضاعف به خاطر شرایط مکانی، زمانی، حوادث و یا انتساب‌ها داشته باشد (فعالی، ۱۳۸۶ش: ۱۵۲).

۴. نتیجه‌گیری

با توجه به بررسی سندی و محتوایی احادیث زیارت‌خانه خدا چنین به دست می‌آید که:

- احادیث ثواب زیارت خانه خدا، از نظر رجالی از روایان ثقه و مورد اعتبار نقل شده و متصل به معصوم علیه السلام بوده و از نظر سندی نیز صحیح و مسند هستند. بهرغم معتبر بودن احادیث و ثقه بودن روایان آنها، با فرض بر اینکه خللی در سند احادیث وجود داشته باشد، نمی‌تواند موجب انکار اصل روایات ثواب گردد؛ زیرا متن احادیث ثواب زیارت خانه خدا با روایات ثواب زیارت عارفاً بحقه و روایات حج با ولایت در احادیث و در آیات قرآنی با تفضل، لطف و جزای بغیر حساب در ثواب اعمال مطابقت دارد.

- بر اساس قاعده تساهل و تسامح از باب تشویق و ترغیب زائران به زیارت، تغلیب رحمانیت خداوند، ثواب دادن بر معیار تفضل و لطف پروردگار بوده و عقاب به عدالت الهی که بیش از استحقاق افراد عذاب نمی‌کند، مورد سنجش قرار می‌گیرد که موجب فزونی ثواب‌ها شده اما این کثرت دلالت بر تعداد ندارد و عقل محدود بشری به دلیل تغلیب فیزیک، مادیات و روزمرگی از درک موارد مذکور در توزیع ثواب‌ها غافل مانده است.

- از نظر محتوایی نیز علل تفاوت ثواب زیارت خانه خدا در عین وحدت عمل زائران، به اندازه اختیار و اراده، معرفت، نیت، شرایط زمانی و مکانی، سیاسی، مشقت، اصل ولایت و رهبری و به‌طور کلی به کیفیت عمل زائران بستگی داشته و این ویژگی‌ها سبب تفاوت ثواب زائران خانه خدا در عین وحدت اعمالشان می‌شود.

پی‌نوشت

* وَ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مَهْزِيَارٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ ظَرِيفِ بْنِ نَاصِحٍ عَنْ خَالِدِ الْقَلَانِسِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ صَلَاةٌ فِي مَسْجِدِ الْكُوفَةِ بِأَلْفِ صَلَاةٍ (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶: ۳۳).

منابع

- قرآن کریم (م. فولادوند، مترجم).
- نهج البلاغه (۱۳۹۰ش). (م. دشتی، مترجم). قم: رسالت یعقوبی.
- الافتخاری الغلبایگانی، ع. (بی‌تا). الحج و العمرة و معرفة الحرمين الشريفين. ج ۱. تهران: مشعر.
- ابن بابویه، م. (صدوق) (۱۳۸۶ش). ثواب الاعمال و عقاب الاعمال (م. مجاهدی، مترجم). ج ۴. قم: سرور، ۱۳۸۶ش.
- _____ (۱۳۸۴ش [الف]). خصال المحمودة و المذمومة (ص. حسن‌زاده، مترجم). قم: فکرآوران.

- _____ (۱۴۲۸ق). *علل الشرائع*. چاپ جدید. بیروت: منشورات الفجر.
- _____ (۱۳۸۴ش [ب]). *عیون اخبار الرضا (علیه السلام)* (ع. غفاری و ح. مستفید، مترجمان). ج ۲. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- _____ (۱۴۰۵ق). *من لا یحضره الفقیه* (ح. خرسان، محقق). بیروت: دارالأضواء.
- _____ (۱۴۰۴ق). *من لا یحضره الفقیه* (ع. غفاری، مصحح). ج ۲. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- ابن شهر آشوب، م. (۱۳۸۰ق). *معالم العلماء فی فهرست کتب الشیعه و أسماء المصنفین منهم قدیما و حدیثا* (م. بحر العلوم، مقدمه نویس؛ م. طوسی، نویسنده). نجف: مطبعة الحیدریة.
- اردبیلی، م. (۱۴۰۳ق). *جامع الرواة و ازاحة الاشتباهات عن الطرق و الأسناد*. بیروت: دارالأضواء.
- استرآبادی، م. (۱۴۲۲ق). *منهج المقال فی تحقیق أحوال الرجال*. تحقیق مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) لاحیاء التراث. قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) لاحیاء التراث.
- اعرجی کاظمی، م. (۱۴۱۵ق). *عامة الرجال*. تحقیق مؤسسه الهدایة لاحیاء التراث. قم: اسماعیلیان.
- آمدی، ع. (بی تا). *غررالحکم و دررالکلم* مجموعه کلمات قصار امیرالمؤمنین (علیه السلام) (م. انصاری، مترجم). قم: مؤسسه صحافی خلیج.
- بسام، م. (۱۴۲۶ق). *زیادة المقال من معجم الرجال*. بیروت: دارالمحجة البيضاء.
- بنی هاشمی، م. (۱۳۸۱ش). *سفری به خاکساری: پژوهشی پیرامون حج و عمره بر اساس آیات و روایات*. به قلم: س. مقدسی. تهران: منیر.
- تفرشی، م. (۱۳۷۷ش). *تقد الرجال*. تحقیق مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) لاحیاء التراث. ج ۱. قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) لاحیاء التراث.
- جمعی از صاحب نظران (۱۳۶۱ش). *کتاب حج*. گردآوری و تنظیم اداره پژوهش و نگارش، بی جا: بی نا.
- جوادی آملی، ع. (۱۳۸۱ش). *ادب فنای مهربان* (م. صفایی، محقق). ج ۶. قم: اسراء.
- _____ (۱۳۸۳ش). *جرعه ای از صهبای حج* (ح. واعظی محمدی، ویراستار). ج ۷. تهران: مشعر.
- _____ (۱۳۸۲ش). *سرچشمه اندیشه* (س. بندعلی، ویراستار). ج ۲. قم: اسراء.
- _____ (۱۳۸۶ش). *صهبای صفا*. ج ۱۰. تهران: مشعر.
- حجتی کرمانی، م. (۱۳۷۲ش). *فضیلت حج در روایات* (عامه و خاصه). فصلنامه علمی ترویجی *میقات حج*، شماره ۳، ۴۵-۳۳.
- حر عاملی، م. (۱۴۱۶ق). *تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه* (م. حسینی جلالی، مصحح). تحقیق مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) لاحیاء التراث. قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) لاحیاء التراث.
- حسینی، د. (۱۳۹۷ش). *نقش زیارت در تربیت عبادی زائر*. فصلنامه فرهنگ زیارت، ۱۰ (۳۷)، ۲۵-۷.
- حلی، ح. (۱۳۸۱ش). *ترتیب خلاصه الأقوال فی معرفة الرجال*. تحقیق آستان قدس رضوی. مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی.

۳۰۴ □ دو فصلنامه حدیث پژوهی، سال پانزدهم، شماره بیستونهم، بهار و تابستان ۱۴۰۲، ص ۲۷۹-۳۱۰

- _____ (۱۴۱۱ق). رجال العلامة الحلی (م. بحر العلوم، محقق و مصحح). ج ۲. نجف: دارالذخائر. حلی، ح. (۱۳۴۲ش). الرجال (لابن داود). تهران: دانشگاه تهران.
- خدا میمان آرنی، م. (۱۴۳۱ق). فهارس الشیعة. قم: مؤسسه تراث الشیعة.
- خویی، ا. (۱۴۱۳ق). معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة. ج ۵. بی جا: بی نا.
- ربانی، م. (۱۳۸۵ش). سبک شناسی دانش رجال الحدیث. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (عج).
- رحمان ستایش، م. و جدیدی نژاد، م. (۱۳۸۴ش). بازشناسی منابع اصلی رجال شیعه. قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر.
- شوشتری، م. (۱۴۱۰ق). قاموس الرجال. تحقیق مؤسسه نشر اسلامی. قم: نشر اسلامی.
- صالح معلم، م. (۱۴۲۶ق). اصول علم الرجال بین النظرية و التطبيق. بی جا: نشر مؤسسه المحبین.
- طوسی، م. (۱۴۲۰ق). فهرست کتب الشیعة و أصولهم و أسماء المصنّفین و أصحاب الأصول (ع. عبدالعزیز طباطبائی، محقق و مصحح). قم: مکتبه المحقق الطباطبائی.
- _____ (۱۳۷۳ش). رجال الطوسی (ج. قیومی اصفهانی، محقق). قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- _____ (۱۴۲۶ق). تهذیب الاحکام. چاپ جدید. بیروت: مؤسسه الاعلمی.
- _____ (۱۳۶۵ش). تهذیب الاحکام (م. آخوندی، مصحح؛ ع. آخوندی، گردآورنده؛ ح. الموسوی خراسان، محقق). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- _____ (بی تا). الفهرست (ع. مولوی و غ. مولوی، مصححان). نویسنده: م. فیض کاشانی. نویسنده: ح. حلی. بی جا: بی نا.
- _____ (۱۳۶۳ش). الاستبصار فیما اختلف من الأخبار (م. آخوندی، مصحح؛ ح. الموسوی خراسان، محقق). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ضیاء آبادی، م. (۱۳۶۰ش). حج برنامه تکامل. ج ۲. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- عرفانیان یزدی، غ. (۱۴۱۹ق). مشایخ الثقات: الحلقة الاولى. دفتر تبلیغات اسلامی. قم: مرکز انتشارات.
- علیاری تبریزی، ع. (۱۴۱۲ق). بهجة الآمال فی شرح زیادة المقال. نویسنده: ح. بروجرودی و ش. مرعشی؛ تصحیح ج. حائری و ه. مسترجمی. تهران: بنیاد فرهنگ اسلامی کوشانپور.
- فیض کاشانی، م. (۱۴۰۶ق). الوافی. اصفهان: کتابخانه امیرالمؤمنین.
- قمی، ع. (۱۳۸۶ش). کلیات مفاتیح الجنان (ا. موسوی دامغانی؛ ح. استاد ولی، مصحح). ج ۱۶. تهران: بی نا.
- قیومی اصفهانی، ج. (۱۳۷۹ش). صحیفه الرضا. ج ۳. بی جا: انتشارات اسلامی.
- قهپایی، ع. (۱۳۶۴ش). مجمع الرجال (ض. علامه، مترجم). قم: اسماعیلیان.
- کاظمی، ع. (۱۴۲۵ق). تکملة الرجال (م. بحر العلوم، محقق). قم: أنوار الهدی.
- کشی، م. (۱۴۰۹ق). إختیار معرفة الرجال (م. طوسی و ح. مصطفوی، محقق و مصحح). مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه مشهد.

کلینی، م. (۱۳۶۶ش). *الکافی فی الاصول و الفروع و الروضة* (ع. غفاری، مصحح). ج ۵. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

لیثی واسطی، ا. (۱۳۷۶ش). *عیون الحکم و المواعظ* (ح. حسینی بیرجندی، محقق). قم: دارالحديث. مازندرانى حائرى، م. (۱۴۱۶ق). *منتهی المقال فی أحوال الرجال*. تحقیق مؤسسه آل البيت علیه السلام لاحیاء التراث، قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام لاحیاء التراث.

مامقانی، ع. (بی تا). *تنقیح المقال فی علم الرجال*. بی جا: بی نا. مجلسی، م. (۱۴۲۹ق). *بحار الانوار لدرر اخبار ائمة الاطهار علیهم السلام* (ع. نمازی شاهرودی، محقق). چاپ جدید. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.

_____ (۱۳۹۰ش). *بحار الانوار لدرر اخبار ائمة الاطهار علیهم السلام الصلاة المزار*. ج ۱. بی جا: نور وحی. مجلسی، م. (۱۴۱۴ق). *لوامع صاحبقرانی مشهور به شرح قصیه*. ج ۲. قم: مؤسسه اسماعیلیان. محدثی، ج. (۱۳۷۱ش). *زیارت*. ج ۱. تهران: مشعر.

محمّدی ری شهیری، م. (۱۳۸۶ش). *حج و عمره در قرآن و حدیث* (ج. محمدی، مترجم). قم: دارالحديث.

مرعی، ح. (۱۴۱۷ق). *منتهی المقال فی الدراية و الرجال*. بیروت: مؤسسه العروة الوثقی. مظاهری، ح. (۱۴۲۸ق). *الثقات الأخبار من رواة الأخبار*. تحقیق مؤسسه الزهراء علیها السلام. قم: التقافیه الدراساتیه.

نجاشی، ا. (۱۳۶۵ش). *رجال النجاشی* (م. شبیری زنجانی، محقق). قم: مؤسسه نشر اسلامی. نجفی، م. (۱۴۰۷ق). *الجامع لرواة أصحاب الامام الرضا علیه السلام*. مشهد: المؤتمر العالمی للامام الرضا علیه السلام. نراقی، ا. (۱۳۷۷ش). *معراج السعادة*. ج ۵. قم: انتشارات هجرت.

نمازی شاهرودی، ح. (۱۴۲۲ق). *مستطرفات المعالی* (ح. نمازی شاهرودی، مصحح). تهران: مؤسسه نبأ. _____ (۱۴۱۴ق). *مستدرکات علم رجال الحديث*. تهران: فرزند مؤلف.

نوری، ح. (۱۴۲۹ق). *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*. تحقیق مؤسسه آل البيت علیه السلام لاحیاء التراث. بیروت: مؤسسه آل البيت علیه السلام لاحیاء التراث.

واعظ جوادى، م. (۱۳۸۲ش). *فلسفه زیارت و آیین آن* (ع. اسلامی، ویراستار). قم: إسرائ.

References

The Holy Quran (M. M. Fouladvand, Trans).

A group of experts. (1982). *Ketabe Hajj*. Compiled and edited by the Research and Writing Department. (In Persian).

Aadi, A. (N. d). *Ghorar al-Hekam va Dorarol-Kalem, a collection of aphorisms of Amir al-Momenin, peace be upon him* (M. A. Ansari, trans). Qom: moassesye Sahhafie Khaleej. (In Persian).

Aaraji Kazemi, M. (1994). *Eddat Al-Rejal*. Researcher Moassesat Al-hedayat le ahya

- al torath. Qom: esmailian. (In Persian).
- Al-Horr Aamely, M. (1995). *Tafsile vasael alshiat va tahsile masael alshariat*. Researcher: M. R. Hosseini Jalali. Researcher: Moassesat Al-Albayt alayhem alsalam le ahya al torath. Qom: Moassesat Al-Albayt le ahya al torath, (In Persian).
- Aliyari Tabrizi, A. (1991). *Bahjat al-Amal fi Sharhe Zubadat al-Maqal*. Author: H. Boroujerdi & Sh. Marashi. Proofreader: J. Haeri & H. Mostarhami. Tehran: Bonyade farhangi eslamiye Kushanpur. (In Persian).
- Ardabili, M. (1982). *Jame al-Rowat va ezahat al eshtebahat an altoroge valesnad*. Beirut: Dar al-Azvaa. (In Persian).
- Bank hashemi, M. (2009). *Safari bi Khaksari: Research about the Haj and Umra baden on Verses and Hadith*. writer: S. Maqdesi. Tehran: Monir.
- Bassam, M. (2005). *Zubadat Al-Maqal Men Mujam Al-Rejal*. Beirut: Dar Al-Mahjat Al-Bayza. (In Persian).
- Eftekhari Golpayegani, A. (n.d). *al-Haj waval-'umra WA Ma' rafat al-Haramayn al-Sharifain*. Tehran: Mash'ar.
- Erfanian Yazdi, Gh. (1998). *Mashayekh Al-Theqat..* Daftare tabligate eslami. Qom: Markaze entesharat. (In Persian).
- Estarabadi, M. (2001). *Menhaj al-Maqal fi tahgige ahval al rejal*. Researcher: Moassesat Al-Albayt alayhem alsalam le ahya al torath. Qom: Moassesat Al-Albayt alayhem alsalam le ahya al torath. (In Persian).
- Feiz Kashani, M. (1985). *Al-Wafi*. Isfahan: Ketabkhaneye Amir al-Momenin. (In Persian).
- Helli, H. (N.D). *Rejale Allame Helli*. Researcher and proofreader: M. S. Bahr alUloom. Najaf: Dar Al-Zakhaer. (In Persian).
- (2002). *Tartibe khelasatol agval fi maarefat al rejal*. Researcher: Astan Quds Razavi. Mashhad: Bonyade Pazhooheshhaye Eslami. (In Persian).
- (1963). *al-Rejal (Le ebne Dawood)*. Tehran: Danashgahe Tehran. (In Persian).
- Hojjati kermani, M. (1993). fazilat Hajj dar Hadith. *Moqat Hajj*, No. 3, 33-45.
- Hosayni, D. (2018). *Naqsh ziarat dar Tarbiat - ebadi Za'er. Farhange Ziyarat*, No. 10, 7-25.
- Ibn Babiwayh, M. (Sadooq). (2007). *Savabolaamal va egabolaamal* (M. A. Mojahedi, Trans). Qom: Sorur. (In Persian).
- (2005). *Khesal Al-Mahmoudah va Al-Mazmoumah* (S. Hassanzadeh, Trans). Qom: Fekravaran. (In Persian).
- (2007). *Ellal alsharayee*. New Edition. Beirut: Al-Fajr Charters. (In Persian).
- (2005). Oyoun Akhbar al-Reza, peace be upon him (A. A. Ghafari & H. R. Mostafid, Trans). Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiyya. (In Persian).
- (1984). *Man La Yahdara al-Faqih*. Researcher: H. Khorsan. Beirut: Dar al-Audha. (In Persian).
- (1983). *Man La Yahzorho al-Faqih*. Rresearcher: H. Khorsan. Beirut: Darol-Azvaa. (In Persian).
- (1983). *Man La Yahzorho al-Faqih*. Introduction and correction: A.A. Ghaffari. Qom: Moassesat al nashr ol eslami. (In Persian).

- Ibn Shahr Ashub, M. (1960). *Ma'alim al-olama fi fehreste kotob alShia va asma almosannefin menhom gadiman va hadisan*. Introduction author: M. S. Bahrol-uloum. Author: M. Tusi. Najaf: Matbaat Al-Haydriya. (In Persian).
- Javadi Amoli, A. (2002). *Adab Fanaye Moqrraban*. Researched and edited by: M. A. Safaei. Qom: Esraa. (In Persian).
- (2007). *Sahbaya Safa*. Tehran: Nashar.
- (2004). *Jore.i az Sahbaya Hajj*. Arranged and edited by: H. Vaezi Mohammadi. Tehran: Mashaar. (In Persian).
- (2003). *Sarcheshmeye Andisheh*. Edited by: A. Rahimian & S. BandAli. Qom: Esraa. (In Persian).
- Kashshi, M. (1988). *Ikhtiyar Marefat al-Rejal*. Researcher and proofreader: M. Tousi and H. Mostafavi. Mashhad: Moasseseye nashre mashhad. (In Persian).
- Kazemi, A. (2004). *Takmelat al-Rejal*. Researcher: M. S. Bahrol-Uloom. Qom: Anwarol-Hoda. (In Persian).
- Khodamian Arani, M. (2009). *Fahares Al Shia*. Qom: Moassesat Torath Alshia. (In Persian).
- Khoyi, A. (1992). *Mojame Rejal al-Hadith va Tafstile Tabaqat al-Rawat*. (In Persian).
- Koleyni, M. (1987). *Al-Kafi fi al-Asul wa al-Faroo wa al-Rawza*. Suspension and correction: A. A. Ghafari. Tehran: Dar al-Kotob al-Islami. (In Persian).
- Leythi Waseti, A. (1997). *Oyoun Al-Hekam wa Al-Mavaez*. Research: H. Hosseini Birjandi. Qom: Darol-Hadith. (In Persian).
- Majlesi, M. (1993). *Lavamee sahebgerani mashhoor be sharhe Faqih*. Qom: Moasseseye Ismailian. (In Persian).
- (2008). *Behar al-Anwar Ledorare Akhbare aemmat Al-Athar*. Researched and edited by Ali Namazi Shahroudi. Beirut: Moassesat Al-Aalami lelmaboat. (In Persian).
- (2011). *Behar al-Anwar Ledorare Akhbare aemmat Al-Athar*. Noore Wahy.
- Mamqani, A. (1992). *Tangih almagal fi ahval alrejal*. (In Persian).
- Marei, H. (1996). *Montahi Al-Maqal fi Al-Derayate va Al-Rejal*. Beirut: Moassesat Al-orwat Al-Wothqa. (In Persian).
- Mari, H. (1996). *Muntaha al-Maqal fi al-Dirayat WA al-rijal*. Bayrut: Institute of al-'orwat algwothqa.
- Mazaheri, H. (2007). *Al-Theqat Al-Akhyar Men Rowat Al-Akhbar*. Researcher: Moassesat Al-Zahra (S). Qom: Al-thegafiat al-Derasyat. (In Persian).
- Mazandarani Ha'eri, M. (1995). *Montahi Almagal fi ahval alrejal*. Researcher Moassesat Al-bayt le ahya al torath. Qom: Moassesat Al-bayt le ahya al torath. (In Persian).
- Mohammad reyshahri, M. (2007). *Hajj wa Omreh in Qur'an wa Hadith*. Qom: Dar al-Hadith.
- Mohandesi, J. (1992). *Ziyarat*. Tehran: Nashar.
- Nahj al-Balagheh of Hazrat Amir al-Momenin*. (2011). Collected by R. Sharif (M. Dashti, Trans). Qom: Risalat Ya'qoubi. (In Persian).
- Najafi, M. (1986). *Al-Jamee lerovate ashabe Imam Al-Reza (AS)*. Mashhad: Almotamer alalami lemam Al-Reza (AS). (In Persian).
- Najashi, A. (1986). *Rejal al-Najashi*. Researcher: M. Shobayri Zanjani. Qom: Moasseseye nashre eslami. (In Persian).

- Namazi Shahrudi, H. (2001). *Mostatrefat al-Maali*. Editor: H. Namazi Shahrudi. Tehran: Moasseseye Nabaa. (In Persian).
- (1993). *Mostadrakate elme Rejal al-Hadith*. Tehran: Farzande moallef. (In Persian).
- Naraghi, A. (1998). *Me'raj al-Saadat*. Qom: Hijrat Publications. (In Persian).
- Nouri, H. (2008). *Mustardak al-Wasail and Mustanbat al-Masal*. Researcher: Al-Bayt Foundation (AS) for Revival of Heritage. Beirut: Al-Bayt Foundation (AS) for Revival of Heritage. (In Persian).
- Qahpai, E. (1985). *Majmaa alrejal*. Researcher: Z. Allameh. Qom: Ismailian. (In Persian).
- Qayyumi Esfahani, J. (2000). *Al-Sahifat alReza*. Enteshara eslami. (In Persian).
- Qomi, A. (2007). *Kolliyate Mafatih al-Jenan* (A. Mousavi Damghani & H. Ostad Wali. Tehran. (In Persian).
- Rabbani, M. (2006). *Sabk shenasie Rejal al-Hadith*. Qom: Markaze Feqhie A.emmeye Athar (AS). (In Persian).
- Rahman Setayesh, M. (2005). *Manabee Aslie Rejale shia*. Author: M. R. Jadidi Nejad. Qom: Mosseseye Elmi Farhanghiye Dar al-Hadith, Sazmane chap va Nashr. (In Persian).
- Saleh Muallem, M. (2005). *Osoul Elm ol rejal bayn al nazaryato va altatbig*. Moassesat Al-Mohbein. (In Persian).
- Shushtari, M. (1989). *Qamoos Al-Rejal*. Researcher: Moasseseye al nashrol eslami. Qom: al nashrol eslami. (In Persian).
- Tafreshi, M. (1998). *Nad al-rijal*. Qom: Institute of Mo-asese Alulbayt li-ihya- al-turath.
- Tostari, M. (1989). *Qamoos Al-Rejal*. Qom: Moassesat al nashr ol eslami. (In Persian).
- Tusi, M. (1999). *Fehreste kotob al shia va osoulehem va asmao almosanefin va ashabol osoul*. Scholar and proofreader: A. Tabatabai. Qom: Maktabat Al-Mohageg Tabatabai. (In Persian).
- (1994). *Rejal Al-Tousi*. Researcher: J. Qayyumi Esfahani. Qom: Moassesat al nashr ol eslami. (In Persian).
- (2005). *Tahzib al-Ahkam*. New edition. Beirut: Moassesat Al-Alami. (In Persian).
- (1986). *Tahzib al-Ahkam*. Edited by: M. Akhundi. Compiled by: A. Akhundi. Researcher and commentator: H. Khorsan. Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiyya. (In Persian).
- (1999). *Al-Fehrest*. edited by: A. Molavi va Gh. Qadir Molavi. Author: M. Feiz Kashani & H. Helli. (In Persian).
- (1984). *Al-Istebzar Fima Akhtalf Men Al-Akhbar*. Proofreader: M. Akhundi. Attention: A. Akhundi. Researcher: H. Khorsan. Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiyya. (In Persian).
- Vaez Javadi, M. (2003). *Phalsafeye ziyart va aiene an*. Edited by: A. Eslami. Qom: esraa. (In Persian).
- Ziya abadi, S. (1981). *Hajj Barnameye takamol*. Tehran: Darol-Kotob al-Islami. (In Persian).

Isnad and Content Research of Heterogeneous Reward Traditions of Pilgrimage to the House of Allah

Seyyed Ali Akbar Rabi Netaj

Professor, Department of Theology, Faculty of Quranic and Hadith Sciences, Mazandaran University, Babolsar, Iran; Sm.rabiNataJ@gmail.com

Murad Kolahi

MA, Quran and Hadith Sciences, Mazandaran University, Babolsar, Iran, (responsible author); morad_kolahi@yahoo.com

Amin Yousefi

MA, Quran and Hadith Sciences, Mazandaran University, Babolsar, Iran; a20.yousefi@gmail.com

Received: 08/11/2021

Accepted: 02/03/2022

Introduction

Pilgrimage the house of Allah has a so valuable place in Islam and Many rewards have been mentioned for its pilgrims. The reward of Hajj, which is one of the strict orders of Islamic branches, and Umrah, which is one of the recommended pilgrimages, differ from each other in terms of the quality and spirit of the actions in the traditions. There are traditions about this rule that mention different rewards for it including: health, eradication of poverty, paradise, the place where the unforgivable sin is forgiven and more rewards than the one who spends gold is equivalent to Mount Abu Qubays for pilgrims to the house of God and more rewards that the pilgrims' actions are united, the rewards are different and have caused doubts and ambiguities. According to the traditions that enter Allah House Pilgrimage, it is appropriate that these traditions are evaluated in terms of isnads and content and the reasons for the difference in rewards are determined while the pilgrims act in unity.

Materials and methods

The current research is organized in a descriptive-analytical way and aims to explain the key points involved in different rewards, the reasons for the difference in the rewards of visiting the house of God, while analyzing the unity of the pilgrims' actions, and evaluating its traditions in terms of isnad and content.

For this aim, each of the transmitters has been examined from the point of view of authority, and the authenticity and validity of the traditions in the series of records have been assessed from the point of view of the isnad, and the quality of these traditions has been examined due to its content.

Results and Discussion

In the traditions about the reward of pilgriming God's house, these traditions have been taken into consideration in terms of isnad, which are linked to the Imam (as) by a authentic and Imami man, except for one tradition which is weak

and this tradition is also a Musnad. Assuming the weakness of Isnad of one tradition from among the traditions, this tradition cannot be a strong reason for discarding the traditions of multiple Hajjes, because the text of these tradition is consistent with the Quranic verses, other authentic hadiths and common sense. And in terms of content, it seems that the spiritual factors involved in pilgrimage, such as discretion and will, knowledge, intention, attention to the principle of the Imamate, the difficult conditions of the pilgrim, the time, place, and political conditions cause the quality of the pilgrimage of the pilgrims to differ from each other and the difference in the reward of the pilgrims.

And these factors stemming from the two-dimensionality of the human being (physical and spiritual dimension) and internal movements, including: the level of knowledge and the purity of communication, can increase or decrease the value of work and its reward.

Conclusions

According to the Isnad and content analysis of the traditions of visiting the house of Allah, it is found that:

The traditions about the reward of visiting God's house were narrated by Rijālī from the trustworthy and reliable transmitters and were connected to the infallible Imam (pbuh) and they are also from the authentic and valid source. Despite the authenticity of the traditions and the reliability of their transmitters, assuming that there is a flaw in the hadiths, it cannot deny the principle of the traditions; Because the text of the traditions on the reward of visiting God's house is consistent with the traditions of the reward of pilgrimage by knowing his right and the traditions of Hajj with Imamate in the traditions and in the Qur'anic verses with grace, kindness, and unaccountable reward in the reward of deeds.

Based on the rule of *tasāmuḥ* and *tasāḥul*, in order to encourage and directing pilgrims to visit, to overcome God's mercy, to give rewards according to the criteria of God's mercy and grace, and the doom is measured according to divine justice, which does not punish people more than they deserve, which causes the increase of rewards. but this multiplicity does not imply the number, and the limited human intellect has remained oblivious to the understanding of the mentioned matters in the distribution of rewards due to the dominance of physics, materiality and everyday life.

In terms of content, the reasons for the difference in the reward of visiting the house of God, despite the unity of the pilgrims' actions, depends on the amount of authority and will, knowledge, intention, time and place conditions, political, hardship, the principle of Imamate and leadership, and in general, the quality of the pilgrims' actions. These characteristics cause the difference in the reward of the pilgrims of God's house despite the unity of their actions.

Keywords: Traditions, Hajj, Reward, Content.